

گزارش

تلاش برای خلع سلاح حزب...
واعتراض دربیروت

در لبنان چه خبر است؟

بامداد جمعه و پس از تصویب طرحی برای خلع سلاح حزب... مردم بیروت در خیابان های بعلبک و صور تظاهرات کردند. بر اساس برخی از گزارش ها، مردم در استان نبطیه در بخش های میانی و جنوبی لبنان در حمایت از حزب... لبنان کاروان های اعتراضی تشکیل داده و به خیابان ها آمدند مردم معترض لبنان با آتش زدن لاستیک خیابان های بیروت را به نشانه اعتراض به تصمیم دولت مسدود و در مقابل کلیسای سنت مایکل، در «ریاق (و «علی النهری» تجمع کردند. دولت لبنان به تازگی از ارتش خواسته تا پایان سال طرحی را برای انحصار سلاح در دست دولت و خلع سلاح مقاومت تدوین کند. در همین حال، حزب... لبنان تصمیم دولت این کشور به ریاست نواف سلام برای خلع سلاح مقاومت را اشتباهی بزرگ دانست. «بول مرقص» وزیر اطلاع رسانی دولت لبنان، پنجشنبه شب در سخنانی از موافقت دولت این کشور با اهداف سند آمریکایی مبنی بر «پیشبرد یک راه حل جامع و پایدار» خبر داد و گفت وزرایی که از جلسه امروز هیات دولت خارج شدند، به بیانیه وزارتی که بر انحصار سلاح در دست دولت تأکید دارد، پایبند هستند. وی تأکید کرد: هیات دولت لبنان با انحصار سلاح در دست دولت و استقرار ارتش این کشور در جنوب را تصویب کرده است. وزیر اطلاع رسانی لبنان افزود: ما سعی کردیم برخی از نمایندگان را از ترک جلسه دولت منصرف کنیم، اما آنها تصمیم گرفتند این کار را انجام دهند تا تصمیم در حضور آنها گرفته نشود. وی اضافه کرد، بحث ما محدود به اهداف سند آمریکایی بود و ما به جدول زمانی نپرداختیم. تصمیم ما محدود به اهداف بود و ارتباط مستقیمی با سند آمریکایی نداشت. وزیر اطلاع رسانی لبنان تصریح کرد: وزرایی که از جلسه خارج شدند، به بیانیه وزارتی که بر محدودیت سلاح تأکید دارد، پایبند هستند. جلسه دولت لبنان پنجشنبه در کاخ «بعبداء» برای بررسی طرح فرستاده آمریکانام باراک برای خلع سلاح حزب... لبنان برگزار شد. شبکه خبری الجزیره گزارش داد: رئیس جمهور لبنان تلاش کرد وزرای دو جنبش شیعی امل و حزب... را قانع کند که از این جلسه خارج نشوند، اما موفق نشد. در ادامه، شبکه المنار از خروج چهار وزیر جریان شیعی کابینه از جلسه هیات دولت خبر داد. در همین راستا محمد حیدر وزیر کار لبنان گفت: دستور جلسه بررسی اهداف سند براک و اتخاذ تصمیم در این باره بود و این منجر به فاصله گیری و تصمیم به خروج شد. وزرای امل و حزب... با یکدیگر قاطعانه بررسی سند آمریکا به عنوان یک توافق تأکید کردند باید تا زمان خروج نظامیان رژیم صهیونیستی از خاک لبنان، توقف حملات این رژیم و آغاز بازسازی، هرگونه اظهار نظر درباره حزب... به تعویق بیفتد.

«آقای پاک آیین در خبرها شنیده شده است که روسای جمهوری آذربایجان و ارمنستان به زودی در آمریکا و در کاخ سفید دیداری خواهند داشت و خبر دیگر اینکه قرار است توافقی با حضور ترامپ به امضا برسند؛ چرایی این دیدار و میزبانی کاخ سفید را با توجه به دوره ای از تنش در قفقاز خوانندگان روزنامه ما باز کنید؟

قفقاز جدید در دوره اخیر و بعد از تنش ها به سرعت در مسیر صلح پیش می رود. جمهوری آذربایجان و ارمنستان تصمیم گرفته اند؛ بعد از دورانی از جنگ و تنش سیاسی موافقت نامه نهایی صلح را به امضا و به اختلافات ۲۰ ساله خود خاتمه دهند. لذا اگتمان حاکم در منطقه قفقاز گفتمان صلح است. البته به نظر می رسد این موافقت نامه در آمریکا امضا نخواهد شد بلکه تنها یک یادداشت تفاهم در این زمینه امضا می شود تا طرفین قصد خود را برای شروع نهایی کردن موافقت نامه صلح درآمریکا طی سندی پاراف کنند. آذربایجان و ارمنستان تصمیم گرفته اند، بعد از اینکه روسیه و کشورهای اتحادیه اروپا دخالت ها و میانجی گری هایی بین آنها کردند و نتیجه ای نداشت، بدون میانجی مذاکرات را جلو ببرند. در واقع منافع خود را با منافع کشورهایی که قصد میانجی گری داشته و به دنبال منافع خود نیز هستند، گره نزنند. از این رو مقدماتی را از قبل بین خود به وجود آورند. از این رو جلسه ای که قرار است در کاخ سفید برگزار شود در معنای میانجی گری آمریکایی دو کشور نیست.

اگر روسای جمهور آذربایجان و ارمنستان در کاخ سفید برای توافق ملاقات نمی کنند، پس چرا برای یک یادداشت همکاری و یا یک آغاز رسمی با به قول شما پاراف و توافق برای حل مسائل، آمریکا را برگزیده اند؟

علت حضور روسای جمهور دو کشور آذربایجان و ارمنستان در کاخ سفید به واکنش این دو کشور و سران آن به روسیه باز می گردد. ارمنستان بعد از توافق نامه ۲۴۰ مسکوا روسیه اختلاف نظر پیدا کرد و آقای باشینیان ترجیه داد با غربی ها ارتباط بیشتری داشته باشد. در حال حاضر روابط ارمنستان با روسیه سرد است. آذربایجان هم در ماه های اخیر به علت اینکه تعدادی از اتباع آذربایجان در روسیه دستگیر شده اند و برخی به قتل رسیده اند با روسیه اختلاف نظر پیدا کرده اند و نوعی سردی بین آذربایجان و روسیه پیدا شده است. لذا این دو کشور تصمیم گرفته اند برای نمایش سردی روابط خود با مسکوا این سند را در آمریکا امضا کنند.

ادامه از صفحه یک

کریدور زنگرور اگر عملیاتی شود، ترکیه و آذربایجان را به یکدیگر متصل کرده و عملاً ترانزیت شرق به غرب در قفقاز جنوبی را بدون نیاز به ایران کامل می کند. این مسیر بخشی از طرح بزرگ تر اتصال آسیای مرکزی به اروپا از طریق شبکه های جاده ای و ریلی است که به کریدور میانی معروف است. و ایران؟ هنوز منتظر تکمیل خط ۱۶۵ کیلومتری رشت ـ آستارا است، خطی که اگر بود، می توانست روزانه هزاران تن کالا را بین اروپا، روسیه و هند عبور دهد. هنوز دیگر توافق با هند درباره جابهار است؛ بندری که می توانست دروازه ورود جنوب آسیا به آسیای مرکزی باشد. هنوز برق صادراتی با همسایگان درگیر است. هنوز خطوط گاز به پاکستان و عراق به هم متصل نشده اند. هنوز در دنیای ۲۰۲۵، تصور می کنیم «جغرافیا کافی است». اما آینده، به آن هایی تعلق دارد که تصمیم می گیرند، اجرا می کنند، و در رقابت می دوند. ما سال هاست ایستاد ایم، و ایستادن،

محسن پاک آیین در گفت وگو با «آرمان ملی»:

چالش ژئوپلیتیکی در زنگرور برای ایران ایجاد نخواهد شد



دیدار پاشینیان و علی اف در آمریکا خط و نشانی برای روسیه است

آرمان ملی – احسان اسقایی: آذربایجان و ارمنستان در طول سال های گذشته در شرایط مخاصمه و جنگی با یکدیگر قرار داشتند و البته بعد از ترک مخاصمه توانستند به توافقاتی دست یابند. اکنون دونالد ترامپ در ایالات متحده آمریکا اعلام کرده است که به زودی در کاخ سفید میزبان روسای جمهور این دو کشور خواهد بود تا توافقی برای صلح در واشینگتن به امضا برسد. در میانه نبرد بین آذربایجان و ارمنستان البته یک مساله کلیدی مطرح شد و آن اینکه با مطرح شدن کلریدور زنگرور و اشغال آن، موضوع دسترسی کشورمان به منطقه قفقاز و البته راه زمینی ایران به اروپا یا نگرانی هایی همراه شد، به طوری که ایران در این ارتباط واکنش دیپلماتیک از خود نشان داد و اعلام کرد که هیچ گونه تغییری در مرزهای پیرامونی خود را نمی پذیرد. موضوع که باعث شد برخی کشورها هم اعلام کنند که باید در مذاکرات بین ارمنستان و آذربایجان در ارتباط

«آقای پاک آیین در خبرها شنیده شده است که روسای

جمهوری آذربایجان و ارمنستان به زودی در آمریکا و در کاخ سفید دیداری خواهند داشت و خبر دیگر اینکه قرار است توافقی با حضور ترامپ به امضا برسند؛ چرایی این دیدار و

قفقاز جدید در دوره اخیر و بعد از تنش ها به سرعت در مسیر صلح پیش می رود. جمهوری آذربایجان و ارمنستان تصمیم گرفته اند؛ بعد از دورانی از جنگ و تنش سیاسی موافقت نامه نهایی صلح را به امضا و به اختلافات ۲۰ ساله خود خاتمه دهند. لذا اگتمان حاکم در منطقه قفقاز گفتمان صلح است. البته به نظر می رسد این موافقت نامه در آمریکا امضا نخواهد شد بلکه تنها یک یادداشت تفاهم در این زمینه امضا می شود تا طرفین قصد خود را برای شروع نهایی کردن موافقت نامه صلح درآمریکا طی سندی پاراف کنند. آذربایجان و ارمنستان تصمیم گرفته اند، بعد از اینکه روسیه و کشورهای اتحادیه اروپا دخالت ها و میانجی گری هایی بین آنها کردند و نتیجه ای نداشت، بدون میانجی مذاکرات را جلو ببرند. در واقع منافع خود را با منافع کشورهایی که قصد میانجی گری داشته و به دنبال منافع خود نیز هستند، گره نزنند. از این رو مقدماتی را از قبل بین خود به وجود آورند. از این رو جلسه ای که قرار است در کاخ سفید برگزار شود در معنای میانجی گری آمریکایی دو کشور نیست.

اگر روسای جمهور آذربایجان و ارمنستان در کاخ سفید برای توافق ملاقات نمی کنند، پس چرا برای یک یادداشت همکاری و یا یک آغاز رسمی با به قول شما پاراف و توافق برای حل مسائل، آمریکا را برگزیده اند؟

علت حضور روسای جمهور دو کشور آذربایجان و ارمنستان در کاخ سفید به واکنش این دو کشور و سران آن به روسیه باز می گردد. ارمنستان بعد از توافق نامه ۲۴۰ مسکوا روسیه اختلاف نظر پیدا کرد و آقای باشینیان ترجیه داد با غربی ها ارتباط بیشتری داشته باشد. در حال حاضر روابط ارمنستان با روسیه سرد است. آذربایجان هم در ماه های اخیر به علت اینکه تعدادی از اتباع آذربایجان در روسیه دستگیر شده اند و برخی به قتل رسیده اند با روسیه اختلاف نظر پیدا کرده اند و نوعی سردی بین آذربایجان و روسیه پیدا شده است. لذا این دو کشور تصمیم گرفته اند برای نمایش سردی روابط خود با مسکوا این سند را در آمریکا امضا کنند.

«در خبرها آمده که احتمال اینکه در کاخ سفید کریدور زنگرور به اجاره یک شرکت آمریکایی درآید و خود دارد، تا چه میزان این احتمال و خبر را جدی می دانید؟

مساله اجاره ۱۰۰ ساله گذگاه زنگرور به یک شرکت آمریکایی ارتباطی به سفر سران این دو کشور به آمریکا ندارد. این موضع تقریباً حدود یک ماه قبل توسط سفیر آمریکا در ترکیه «آقای باراک» مطرح شده است. باراک پیشنهاد کرده است آمریکا زنگرور را برای مدت ۱۰۰ سال اجاره کند تا به صلح کمک کند. البته این تنها پیشنهاد یک سفیر است و مقامات آمریکایی و کاخ سفید در این ارتباط اعلام موضع نکردند اما ارمنستان اعلام کرده است که حاضر نیست تمامیت خود را اجاره دهد و صراحتاً با این

armanmeli.ir

سال هشتم

شماره ۲۱۷۴

شنبه

۱۸ • ۰۵ • ۱۴۰۴

۱۵ مهر ۱۴۰۴ / ۰۹ آگوست ۲۰۲۵



با این کریدور نقش ایران در نظر گرفته شود. حال اما برخی رسانه ها مدعی شده اند که در سفر روسای جمهور آذربایجان و ارمنستان قرار است اجاره صد ساله این کریدور به یک شرکت آمریکایی مطرح شود. این مساله باعث شده افکار عمومی در ایران و برخی از افرادی که همواره نگاهی توام با راه حل نظامی برای حل مسائل را در نظر دارند، در این ارتباط مواضع غضب آلودی اتخاذ کنند. «آرمان ملی» برای بررسی نقش آمریکا در آنچه توافق بین آذربایجان و ارمنستان در کاخ سفید اعلام شده با محسن پاک آیین سفیر سابق ایران در جمهوری آذربایجان به گفت وگو پرداخته است. او معتقد است مساله تغییرات ژئوپلیتیکی در مرزهای شمالی ایران مربوط به زمان جنگ بین آذربایجان و ارمنستان بوده و مساله کریدور زنگرور آنقدر پیچیده است که بعید به نظر می رسد در کوتاه مدت ارمنستان و آذربایجان در مورد گشایش آن به توافق برسند.

مسالمت آمیز این موضوع را حل کنند و نه اشغال زنگرور توسط جمهوری آذربایجان! لذا مساله تغییر مرزهای بین المللی منتفی شد و اکنون هم طرفین در ارتباط با موافقت نامه صلح طی مذاکرات دوجانبه بسیار جلو رفته اند و دو طرف تمامیت ارزی طرف مقابل را به رسمیت شناختند و قره باغ در اختیار جمهوری آذربایجان قرار گرفت و زنگرور هم در تمامیت ارزی ارمنستان ماند. لذا موضع تغییر مرزهای جغرافیایی مرزهای ایران در این مورد منتفی است و در حال حاضر این موضوع دیگر مطرح نیست و قرار هم نیست که تغییرات ژئوپلیتیکی در این منطقه رخ دهد. قرار شد ارمنستان و آذربایجان بعد از اینکه موافقت نامه صلح را امضا کردند، در ارتباط با چگونگی باز کردن زنگرور با یکدیگر مذاکره کنند، اما با توجه به اختلاف نظرهای جدی بعید است این موضع به نتیجه برسد.

موضوع مخالفت کرده است. لذا بحث اینکه بخواهند این کریدور

را به مدت ۱۰۰ سال به آمریکا اجاره دهند، صحت ندارد.

پس به نظر شما موضع زنگرور در نشست سران دو کشور در کاخ سفید مطرح نیست؟

بله اینطور به نظر می رسد به این علت که ارمنستان و آذربایجان بعد از اینکه در مورد توافق نامه صلح مذاکرات زیادی انجام دادند و در ارتباط با زنگرور به توافق نرسیدند، موضع این گذگاه را به بعد موکول کردند و اعلام شد که اگر این مسیر در دستور کار موافقت نامه صلح باشد، موافقت نامه به نتیجه نمی رسد. لذا توافق شد بعد از اینکه این موافقت نامه نهایی گردید، در مرحله بعد در مورد زنگرور گفت وگو کنند.

این دغدغه همواره مطرح بوده است که اگر زنگرور برقرار شود، دسترسی ایران به قفقاز و البته دسترسی زمینی به اروپا با محدودیت روبرو می شود. واقعیت این مساله را تبیین فرمایید؟

مطرح شدن این مورد مربوط به زمان جنگ قره باغ است. یعنی زمانی که آذربایجان قصد داشت منطقه زنگرور را اشغال نظامی کند، چنانچه این اتفاق می افتاد مرز ایران با ارمنستان قطع می شد، اما با مواضع قاطعی که جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرد و در سطوح عالی اعلام شد که ایران با تغییر مرزهای بین المللی مخالف است و این مساله هم به صورت دیپلماتیک هم به صورت مانورهای نظامی در کنار رود ارس به اطلاع جمهوری آذربایجان رسانده شد، آذربایجان تصمیم به عقب نشینی گرفت و دو طرف توافق کردند که از مسیر

قرار شد ارمنستان و آذربایجان بعد از

اینکه موافقت نامه صلح را امضا کردند، در ارتباط با چگونگی باز کردن زنگرور با یکدیگر مذاکره کنند، اما با توجه به اختلاف نظرهای جدی بعید است این موضع به نتیجه برسد

است. داستانی که روزی در کتاب های درسی ثبت می شود، و نسل آینده می خواند که ما چگونه از نقطه اتصال تمدن ها، به حاشیه نشین نقشه جهانی تبدیل شدیم. باید بدانیم که تصمیم گرفتیم، گاهی خطرناک تر از تصمیم غلط است. تا زمانی که فضای بین المللی ایران با عدم قطعیت در روابط خارجی، تحریم های فعال و نزاع های دیپلماتیک همراه باشد، هیچ سرمایه گذاری بزرگی در کریدورها محقق نخواهد شد. کاشش تنش با کشورهای منطقه و بازسازی روابط با دنیا، مشارکت در پروژه های کلان منطقه ای است. در پایان، باید با شفافیت گفت؛ اگر امروز در سیاست خارجی، در اصلاح زیرساخت ها، در بازتعریف نقش منطقه ای خود، و در بازسازی تصویر بین المللی ایران تصمیمی گرفته نشود، فردا خیلی دیر خواهد بود. دنیا با سرعت در حال ساختن مسیرهای نو است و ما؟ یا وارد این مسیرها می شویم، یا برای همیشه در حاشیه آنها خواهیم ماند.

سیاست

دره دین

خطر آغاز جنگ تمام عیار هسته ای

چین به دنبال یک ماجراجویی هسته ای می رود؟ چین در آستانه انتخابی راهبردی قرار دارد. انتخابی که می تواند منجر به بازتولید راهبرد های پرمخاطره دوران جنگ سرد شود. در واقع، آینده امنیت بین المللی تا حدی زیادی به تصمیمات پکن در این بزنگاه تاریخی بستگی دارد. فابین یالپسی مدعی شد: شی جین پینگ، رئیس جمهور چین در جریان سفر به مسکو در ماه می، بیانیه مشترکی را با ولادیمیر پوتین منتشر کرد که در آن بر مسئولیت ویژه کشورهای دارای سلاح هسته ای برای «رد ذهنیت جنگ سرد» و «برهیز از اقداماتی که ریسک های راهبردی ایجاد می کنند» تأکید شده است. در چند دهه اخیر، چین مسیر نسبتاً متفاوتی را در مقایسه با دو ابرقدرت هسته ای جهان، یعنی آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق، دنبال کرده است. این کشور سلاح های هسته ای خود را به خصوص در دوران صلح، در وضعیتی با آمادگی کمتر برای استفاده نگه داشته و تنها کشوری است که به طور رسمی اعلام کرده که تحت هیچ شرایطی از سلاح هسته ای به عنوان طرف اول، استفاده نخواهد کرد. با این حال، برخی نشانه ها حاکی از آن است که چین احتمالاً در حال آماده سازی برای اتخاذ یکی از خطرناک ترین سیاست های هسته ای در دوران جنگ سرد یعنی «شلیک پیش دستانه در زمان وقوع حمله»، به عنوان بخشی مهم از گسترش توانمندی های هسته ای خود باشد.

شلیک پیش دستانه

شلیک پیش دستانه به سیاستی گفته می شود که رهبران سیاسی را مجاز به صدور دستور حمله متقابل هسته ای، بر مبنای هشدارهای اولیه می داند. در این چارچوب، اگر کشوری بر مبنای داد های اولیه متوجه وقوع حمله هسته ای به مرزهای خود شود، رهبر آن قادر به پاسخ هسته ای فوری پیش از اصابت کلاهک های هسته ای دشمن خواهد بود. تا به امروز تنها ایالات متحده و روسیه این سیاست را به طور رسمی اتخاذ کرده اند. ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما گزینه هایی را برای کاهش نقش این سیاست در دکتربن هسته ای خود بررسی کرد، اما نهایتاً تصمیم به حفظ آن گرفت. در مقابل، روسیه سناریوهای اجرای پاسخ هسته ای فوری خود را گسترش داده است. از واکنش فوری به ورود موشک های بالستیک گرفته تا اعتماد به داده ها درباره پرتاب گسترده هواپیماها، موشک ها یا پهپاد هایی که وارد حریم مرزی روسیه می شود؛ اقدامی که آستانه استفاده از سلاح هسته ای را به طور چشمگیری کاهش داده است. با وجود آنکه برخی دیپلمات های چینی به طور علنی خواستار کنار گذاشتن این سیاست از سوی تمامی کشورهای هسته ای شده اند، دولت چین خیلی بی سروصدا در حال گسترش زیرساخت هایی است که برای اتخاذ این سیاست در آینده، ضروری خواهد بود. این درحالی است که هیچ شفاف سازی عمومی در باره توانمندی ها یا سیاست های مرتبط، ارائه نکرده است. یکی از زیرساخت های قابل توجه، گسترش یک سیستم جامع هشدار اولیه است که ماژواره ای مادون قرمز و رادارهای زمینی برای شناسایی حملات احتمالی می شود. از طرفی این روزها رسانه های چینی به طور فزاینده ای از سیاست شلیک پیش دستانه در زمان حمله حمایت کرده و آن را با عنوان «ضربه متقابل بر پایه هشدار اولیه، معرفی می کنند.

یک تصمیم بی سابقه

به طور سنتی، چین کلاهک های هسته ای خود را به صورت جداگانه از سامانه های پرتاب نگهداری کرده است، امری که واکنش هسته ای پس از وقوع حمله را برای چند ساعت یا حتی چند روز، به تعویق می اندازد. اتخاذ این سیاست مستلزم اتصال کلاهک های هسته ای به سامانه های پرتاب است، روندی که خطرات ایمنی و امنیتی مرتبط با تسلیحات هسته ای را به شدت افزایش می دهد. آمریکا و روسیه، تجربه چندین دهه مواجهه با هشدارهای اشتباه و رخداد های نزدیک به فاجعه را دارند که خود رقم زننده بعضی از خطرناک ترین لحظات جنگ سرد را بود. به رغم اصرار پکن بر پرهیز از ورود به یک جنگ سرد جدید، اتخاذ سیاست شلیک در حمله می تواند چین و جامعه بین المللی را در معرض ریسک هایی مشابه قرار دهد. علاوه بر این، چنین سیاستی به طور بالقوه کنترل مطلق رهبری سیاسی چین بر تصمیم گیری های هسته ای را تضعیف می کند. با توجه به فشارهای زمانی شدید در فرایند تصمیم گیری، این تنش آزادی بخش خلق چنین احتمالات نقش برجسته تر در طراحی سناریوهای پاسخ هسته ای ایفا خواهد کرد؛ امری که به نظامیان سطحی از اختیار را در تصمیم گیری های هسته ای می دهد، در حالی که تاکنون چنین اتفاقی در ساختار حکمرانی چین بی سابقه بوده است.

مزیت های بالقوه

اگرچه سیاست «شلیک پیش دستانه پس از حمله» دارای خطرات آشکاری است، اما می تواند مزایای امنیتی محدودی را نیز برای این کشور فراهم آورد، برای مثال می تواند بازدارندگی چین را در برابر حمله ناگهانی و گسترده هسته ای در زمان صلح، یا در برابر سناریوهایی شامل حملات خلع سلاح کننده در جریان یک درگیری متعارف یا هسته ای محدود، به ویژه در اطراف تنگه تایوان، افزایش دهد. با این حال، در سناریوهای محتمل تر که در آن تنش ها به تدریج و به صورت مبهم افزایش می یابند، مانند چرخه های متقابل حملات هسته ای محدود، هیچ پیش بینی روشنی از اینکه چین در چه زمانی ممکن است این سامانه را فعال کند، امکان پذیر نخواهد بود. در چنین شرایط مبهمی، یک حمله هسته ای از سوی ایالات متحده که به نظر تصمیم گیران آمریکایی «متناسب» تلقی شود، می تواند به طور ناخواسته از آستانه واکنش سامانه دفاعی چین عبور کرده و خطر آغاز جنگ هسته ای تمام عیار را به دنبال داشته باشد. در عوض، چین می تواند بدون عملی کردن این راهبرد و صرفاً با ایجاد «ابهام حساباتی» برای آمادگی استفاده از آن، بازدارندگی خود را به شدت افزایش دهد؛ رویکردی که آمریکا نیز در جنگ سرد از آن بهره می برد. همچنین، سیستم های هشدار زودهنگام چین، می توانند حتی در صورت عدم کاربرد مستقیم از این روش، نقشی کلیدی در تقویت توان دفاع موشکی ایفا کنند. نگرانی اصلی جهان این است که سیاست شلیک در زمان حمله مقدمه ای برای تغییر بنیادین در دکتربن هسته ای چین باشد، از جمله تمرکز بر هدف گیری پیش دستانه تسلیحات دشمن که می تواند الگوی بازدارندگی تدافعی سنتی چین را به سمت رویکردی تنها جمی سوق دهد. چنین تغییری نه تنها موازنه راهبردی را برهم می زند، بلکه می تواند به واسطه واکنش متقابل واشنگتن، در بلندمدت امنیت چین را نیز تضعیف کند